



The Impact of New Social Media on the Conflicts in Yemen (2011-2020)

10.30495/PIR.2023.1956765.3491

Bahramipour Fereshteh^{1*}, Olfati Azadeh², Hazeri Najva³

Received:2022/11/29

Accepted:2023/01/21

Research Article

Abstract

Social construction of technology is one of the ideas raised in the field of technology, which is less considered in the analysis of issues. This theory is concerned with the social construction of societies and the role of technology in this social construction. The Middle East has also had a conflicting social structure due to the multiplicity of religions, ethnicities and cultures, as well as the actions of regional and extra-regional actors, and when social technologies entered this region, it was affected by this conflicting social structure. they got. The aim of the current research is to clarify the relationship between the social construction of new social technologies and the conflicts in Yemen. Yemen is one of the most tense countries in the region, which intensified after the removal of Ali Abdullah Saleh, and continues at three national, regional and extra-regional levels. Therefore, the main question is, what effect have new social technologies had on the conflicts in Yemen? Based on this, this research by adopting a descriptive-analytical method tries to explain this innovative hypothesis that it seems that the new social technologies developed on the web platform have caused the escalation of conflicts in the controversial social structure of Yemen. The results of the research show that with the arrival of social media in Yemen, this technology has been used in order to intensify the conflict due to the conflict in Yemen.

Keywords: Escalation of conflicts; Social media; Social construction of technology; Yemen

Bahramipour, F., Olfati, A., & Hazeri, N. (2022). The Impact of New Social Media on the Conflicts in Yemen (2011-2020). *International And Political Research Quarterly*, 14(53), pp. 44-56.

¹ Ph.D. students of International Relations, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding author) f.bahramipoor73@gmail.com.

² Ph.D. students of Political Sociology, Razi University. azadeholfati91@gmail.com

³ Ph.D. student of International Relations, Mazandaran University. hazerinajva@gmail.com

تأثیر رسانه‌های اجتماعی جدید بر منازعات یمن (۲۰۲۰-۲۰۱۱)

10.30495/PIR.2023.1956765.3491

فرشته بهرامی پور^۱، آزاده الفتی^۲، نجوا حاضری^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱
--------------	---

چکیده

ساخت اجتماعی فناوری از جمله نظریات مطرح در حوزه تکنولوژی است که کمتر در تحلیل موضوعات مورد توجه قرار می‌گیرد. این نظریه به ساخت اجتماعی جوامع و نقش تکنولوژی در این ساخت اجتماعی توجه دارد. خاورمیانه نیز به دلیل تعدد مذهب، قوم و فرهنگ و نیز کنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ساخت اجتماعی منازعه‌آمیزی داشته است و زمانی که تکنولوژی‌های اجتماعی وارد این منطقه شدند، تحت تأثیر این ساخت اجتماعی منازعه‌آمیز قرار گرفتند. هدف از پژوهش حاضر، روشن شدن رابطه ساخت اجتماعی تکنولوژی‌های اجتماعی جدید و منازعات یمن است. یمن از جمله کشورهای پرتنش منطقه است که پس از برکناری علی عبدالله صالح این تنش‌ها تشدید شد و در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ادامه دارد. از این رو سؤال اصلی این است که تکنولوژی‌های اجتماعی جدید چه تأثیری بر منازعات یمن داشته‌اند؟ بر این اساس، این پژوهش با اتخاذ روشی توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین این فرضیه نوآورانه است که به نظر می‌رسد، تکنولوژی‌های اجتماعی جدید رشد یافته در بستر وب باعث تشدید منازعات در ساخت اجتماعی منازعه‌آمیز یمن شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با ورود رسانه‌های اجتماعی به یمن، این تکنولوژی متأثر از ساخت منازعه‌آمیز یمن در راستای تشدید منازعه به کار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، ساخت اجتماعی تکنولوژی، تشدید منازعات، یمن

بهرامی پور، فرشته؛ الفتی، آزاده؛ حاضری، نجوا (۱۴۰۱). تأثیر رسانه‌های اجتماعی جدید بر منازعات یمن (۲۰۱۱-۲۰۲۰). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۳، صفحات ۴۴-۵۶.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). f.bahramipoor73@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی. azadeholfati91@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه مازندران hazerinajva@gmail.com

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی در عصر جدید امکانات مثبتی را برای پیشبرد ارزش‌های انسانی و پیشرفت صلح در جامعه جهانی ایجاد کرده‌اند و از سوی دیگر، با توجه به محدودیت در کنترل و گستره بی‌حد و حصر آن به ابزاری در دست گروه‌های رادیکال و جهادی برای تبلیغ ارزش‌ها و گسترش اقدامات ضدانسانی و ضد حقوق بشری آنان تبدیل شده است (آدمی و نکویی، ۱۳۹۷: ۲۹۳). اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ممکن است به قطب‌بندی سیاسی و افراط‌گرایی منجر شود. به نظر هوارد^۱ اینترنت می‌تواند به تقویت جنبش‌ها کمک کند؛ زیرا اینترنت بدون سانسور می‌تواند اجازه دهد شهروندان به گزارش اخبار، افشای تخلف، ابراز نظرات، بسیج اعتراضات، گسترش آزادی و... دسترسی داشته باشند و حتی به وسیله آن دولت‌ها را پایین بیاورند (Farrell, 2012: 37-44). پیشرفت تکنولوژی زمان و فاصله را از میان برداشته است. تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به فضای غالب سیاست در دنیای معاصر تبدیل شده‌اند. گسترش ابزارهای مدرن ارتباطی می‌تواند هم تسهیل‌کننده پیشرفت‌های اقتصادی جامعه باشد و هم معلول و نتیجه آن. دولت‌های منطقه خاورمیانه تحت الزامات جهانی شدن و برنامه‌های نیم‌بند توسعه اقتصادی، به گسترش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در کشورهاشان اقدام کردند و در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام دادند و در واقع به دنبال استفاده از فواید آن به نفع خود بودند؛ اما میزان رشد استفاده از این رسانه‌ها نشان از محاسبه غلط حکام منطقه بود. این رسانه‌های جدید فرصت‌های بی‌نظیری را در اختیار گروه‌ها، فرقه‌ها، مذاهب و هویت‌های مختلف قرارداد که اهداف خود را به نفع و یا ضرر حکام منطقه پیش ببرند. به این ترتیب جنبش‌های مختلفی در منطقه فعال شدند (آل سید غفور و رومی، ۱۳۹۲: ۹۹ و ۱۰۹). این تکنولوژی‌های جدید که در حال حاضر به سرعت گسترش می‌یابند، نقش مهمی در انجام جرائم و گسترش تروریسم حتی از راه دور دارد. رژیم‌های سرکوبگر نیز ممکن است برای افزایش قدرت خود اینترنت و تمام شبکه‌های متصل به آن را قطع و مهار کنند (Bargh & Mckenna, 2004: 587).

پس از اعتراضات موسوم به بهار عربی در خاورمیانه و سرایت آن به یمن، حوثی‌ها از آن حمایت کردند و بر صعد مسلط شدند و پس از سقوط صالح، به سمت صنعا پایتخت یمن حرکت کردند و پس از مدتی درگیری با حکومت یمن در سپتامبر ۲۰۱۴ کنترل آن شهر را به دست گرفتند و نخست‌وزیر را مجبور به استعفا کردند که به دنبال آن منصور هادی رئیس‌جمهور نیز خودش استعفا کرد؛ ولی بعداً استعفایش را پس گرفت و با حمایت کشورهای دیگر به‌ویژه عربستان در عدن دولتی را تشکیل داده است. بحران این کشور و به‌طور کلی بحران خیز بودن این کشور ممکن است از زوایا و دیدگاه‌های مختلفی به‌ویژه دیدگاه واقع‌گرایانه و دیدگاه‌های امنیتی - هویتی مورد بررسی قرار گرفته باشد، ولی پژوهش حاضر بر آن است تا تشدید بحران این کشور را از دیدگاه ساخت اجتماعی تکنولوژی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در حال حاضر یمن شاهد منازعات نامتقارن است که مبتنی بر قدرت نابرابر بازیگران است. این امر فرایند رقابت و منازعه در یمن را پیچیده‌تر می‌سازد. از سویی الگوی کنش بازیگران با یکدیگر متفاوت می‌باشد به همین دلیل است که جنگ‌های جدید ماهیت غیرقابل پیش‌بینی خواهند داشت و از شکل کلاسیک آن خارج شده است و هر روز بر دامنه این منازعات افزوده می‌شود. بر اساس بیان مسئله فوق این سؤال اساسی مطرح می‌شود که رسانه‌های اجتماعی جدید چه تأثیری بر منازعات یمن داشته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس چارچوب نظری پژوهش یعنی ساخت اجتماعی تکنولوژی تبیین می‌شود و با توجه به سطوح منازعات در یمن نهایتاً رسانه‌های اجتماعی و تشدید منازعات یمن مورد واکاوی و تبیین قرار می‌گیرد.

۱- مرور پیشینه پژوهش

سید داود آقایی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازمان‌دهی و گسترش سریع تحولات)»، به تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک و توییتر در گسترش تحولات ۲۰۱۱ به‌ویژه مصر و تونس می‌پردازد. این مقاله بیشتر به کارایی شبکه‌های اجتماعی در ایجاد تجمعات و اعتراضات، بسیج نیروها، طرح خواسته‌ها و... می‌پردازد؛ ضمن آنکه تنها بر روی تحولات ۲۰۱۱ در مصر و تونس متمرکز شده و به‌صورت پدیده داخلی آن‌ها را بررسی کرده است. دانیل مک‌کارتی (۲۰۱۵) در کتاب خود تحت عنوان «قدرت، فناوری اطلاعات و

^۱ . Howard

تئوری روابط بین‌الملل (قدرت و سیاست خارجی ایالات متحده: سیاست و اینترنت)، سعی می‌کند با نگاهی تئوریک جایگاه تکنولوژی‌های جدید را در سیاست خارجی ایالات متحده تبیین کند. از این رو ابتدا جایگاه مفهومی تکنولوژی را بررسی می‌کند، سپس سه دیدگاه عمده در خصوص تکنولوژی را بررسی می‌کند: دیدگاه اول یعنی ابزارگرایی تکنولوژیک بر آن است که اشیای تکنولوژیک موجب تغییرات سیاسی و اجتماعی نمی‌شوند. بلکه معتقدند استفاده از این شیء تکنولوژیک است که به آن نقش تعیین‌کننده در امور انسانی را می‌دهد؛ و دیدگاه دوم؛ یعنی ماهیت‌گرایی تکنولوژیک بر آن است که تکنولوژی باعث تغییرات اجتماعی می‌شود. این رویکرد اشیای تکنولوژیک را دارای ویژگی‌های ذاتی می‌داند، ماهیت اشیای تکنولوژیک موجب تغییرات سیاسی و اجتماعی می‌شود؛ دیدگاه سوم یعنی سازه‌نگاری راهی میانه در بین این دو نظریه است که به تأثیر متقابل ساختار - کارگزار اعتقاد دارد. سپس در فصل‌های بعد دیدگاه نظریه‌های تاریخی مادی‌گرایانه (سوسیالیسم و مارکسیسم)، انتقادی، ساختارگرایی و نهادگرایی را نسبت به تکنولوژی‌های جدید بررسی می‌کند و نهایتاً رویکرد روابط خارجی دولت بوش و اوباما و قدرت نهادی از اینترنت را تبیین می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اینترنت و به‌طور کلی تکنولوژی‌های جدید نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ایالات متحده دارند. فرید شیرازی (۲۰۱۳) در مقاله خود تحت عنوان رسانه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا یک تحلیل گفتمان انتقادی، بر اساس دیدگاه گفتمان انتقادی هابرماس، تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر تحولات منطقه را بررسی می‌کند. وی ۳۶۳۵ پیام فارسی و عربی در رسانه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک، توئیتر و... را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که شامل دو گروه است: مقامات و حامیان آن‌ها و شهروندان. شیرازی نهایتاً با تحلیل گفتمان انتقادی به این نتیجه می‌رسد که زبان مقامات و طرف‌داران آن‌ها زبان تهدیدکننده است؛ اما شهروندان تنها خواسته‌های اجتماعی خود را مطرح می‌کنند؛ اما چون با واکنش منفی مقامات و ارتش روبرو می‌شوند به اقدامات خشونت‌آمیز روی می‌آورند و خواسته‌های آن‌ها به خواسته‌های سیاسی و تغییر رژیم تبدیل می‌شود. آدام اسمیدی و سیف شهین (۲۰۱۷) در مقاله خود تحت عنوان «رسانه‌های اجتماعی و بسیج اجتماعی در خاورمیانه: بررسی تحقیقات در مورد بهار عربی»، با نگاه انتقادی به بررسی تحقیقات صورت‌گرفته درباره بهار عربی می‌پردازند. آن‌ها چند دیدگاه را در خصوص نقش رسانه‌ها در بهار عربی مورد بررسی قرار می‌دهند، از جمله: عده‌ای معتقدند رسانه‌های اجتماعی مهم‌ترین علت اعتراضات در بهار عربی بوده‌اند، عده دیگری معتقدند که گرچه رسانه‌های اجتماعی شاید تا حدی به قیام‌های منطقه کمک کرده باشند؛ اما دلیل اصلی آن‌ها عوامل سیاسی، اقتصادی و تاریخی بوده است و عده دیگری نیز به نگاه بینابین معتقدند که با شروع اعتراضات رسانه‌های اجتماعی به گسترش آن‌ها دامن زدند. نویسندگان اصلی‌ترین ضعف تحقیقات انجام‌شده را ضعف نظری می‌دانند. در این مقاله علاوه بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر رویکرد رسانه‌های تصویری و روزنامه‌ها نیز اشاره شده است. به‌طور کلی باید گفت که پژوهش‌های مختلفی درباره توضیح علل بحران یمن و تشدید آن نگاشته شده و عمدتاً با رویکردی واقع‌گرایانه و امنیتی به بررسی مسئله پرداخته شده است؛ اما تاکنون پژوهشی با رویکرد ساخت اجتماعی تکنولوژی به بررسی تشدید منازعات یمن نپرداخته است که پژوهش حاضر توجه به رسانه‌های اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی زندگی بشر قرن بیست و یک الزامی می‌داند، از این رو نگارندگان به‌ویژه نقش تکنولوژی‌های رشدیافته در بستر وب را در تشدید منازعات یمن مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که در تحلیل بحران‌های منطقه نباید نقش این رسانه‌ها مورد غفلت قرار بگیرد. در نظر گرفتن این مؤلفه در کنار سایر مؤلفه‌ها بینش جدیدی به پژوهشگران می‌دهد.

۳- چارچوب مفهومی: ساخت اجتماعی فناوری

در حوزه فناوری و روابط بین‌الملل تاکنون نظریات مختلفی مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم کرد: ابزارگرایی تکنولوژیک، جبرگرایی تکنولوژیک و ساخت اجتماعی تکنولوژی که در نقد دو نظریه قبل شکل گرفته است. ابزارگرایی تکنولوژیک معتقد است که تکنولوژی صرفاً یک ابزار است، یک ابزار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فردی که برای یک هدف خاص استفاده می‌شود. بر اساس این دیدگاه، فناوری کاملاً خنثی است و صرفاً بر اساس اهداف تعریف‌شده توسط کاربران عمل می‌کند (Conkfield, 2007: 479-480)؛ از این رو موضوعات تکنولوژیک^۱ به‌خودی‌خود بر نتایج سیاسی تأثیر نمی‌گذارند و یا منجر به تغییرات اجتماعی نمی‌شوند (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۰۸). مفهوم ابزارگرایی تکنولوژیک حداقل چهار نکته را بیان می‌کند: اول، فناوری،

^۱ technological objects

به‌عنوان یک ابزار محض، بدون توجه به اهداف آن می‌تواند به کار گرفته شود؛ دوم، فناوری نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت است؛ سوم، ذات تکنولوژی مبتنی بر بی‌طرفی سیاسی و اجتماعی است؛ و چهارم، جهانی‌شدن تکنولوژی بدان معنا نیز است که می‌تواند استانداردی برای اندازه‌گیری کارآمدی یا عدم کارآمدی امور باشد و این به دلیل بی‌طرفی آن است (Andrew, 2002: 6-7).

در مقابل، جبرگرایی تکنولوژیکی، تکنولوژی را به‌عنوان یک نیروی مستقل، فراتر از کنترل مستقیم انسان، علت اصلی تغییرات اجتماعی در نظر می‌گیرند (Surry & Farquhar, 1997: 5). باتوجه‌به این دیدگاه، رابطه بین جامعه و فناوری بدین‌گونه است که این دو، حوزه‌های جداگانه‌ای هستند و جامعه تأثیری بر فناوری ندارد، اما فناوری جهت جامعه را تعیین می‌کند. جبرگرایی تکنولوژیکی مبتنی بر دو مؤلفه اصلی است: استقلال تکنولوژی و نقش تعیین‌کننده تکنولوژی در توسعه اجتماعی (Yousefikhah, 2017: 32).

ساخت اجتماعی فناوری یکی از روش‌های ساخت‌گرایانه مطالعه علم و فناوری است که در دهه ۱۹۸۰ و در نقد دو نظریه فوق‌الذکر ظهور کرد. برای تقویت این نقد، لازم بود نشان داده شود که کارکرد فناوری از نظر اجتماعی ساخته می‌شود (Communication, 2023). این نظریه، اصل اول جبر تکنولوژیک را به طور کامل انکار می‌کند، اما پاسخ ظریف‌تری به اصل دوم می‌دهد. آن‌ها استدلال می‌کنند که توسعه فناوری توسط طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد. به عبارتی ساخت اجتماعی ادعای جبرگرایانه فناورانه را که فناوری بر جامعه تأثیر می‌گذارد، کاملاً رد نمی‌کند؛ بلکه استدلال می‌کنند که نیروها ممکن است در هر دو جهت حرکت کنند: فناوری جامعه را شکل می‌دهد و جامعه فناوری را شکل می‌دهد (Johnson, encyclopedia, 2019). در طیف میانه قرار گرفتن، ما را قادر می‌سازد تا تکنولوژی را به‌عنوان یک تشکیل اجتماعی در نظر بگیریم درحالی‌که به نوبه خود توسط جامعه ایجاد شده است (McCarthy, 2015: 34-35). این نظریه از چهار مؤلفه اساسی تشکیل شده است: اول، انعطاف‌پذیری تفسیری است که نشان می‌دهد طراحی فناوری یک فرایند باز است و می‌تواند نتایج متفاوتی را بسته به شرایط اجتماعی ایجاد کند. دوم، گروه اجتماعی مرتبط است. همه اعضای یک گروه اجتماعی معین، مجموعه معانی یکسانی را به اشتراک می‌گذارند که به یک مصنوع خاص متصل است به‌عنوان مثال اینترنت، فیس‌بوک و یا توئیتر. سوم، بسته‌شدن و تثبیت است. زمانی که تصاویر گوناگون و متناقضی از یک فناوری وجود دارد درباره تأثیر و نتایج آن نیز اختلاف نظر وجود دارد. بحث و گفتگو درباره آن تا زمانی که به یک اجماع برسند ادامه خواهد داشت و پس از رفع اختلافات تصویر ارائه‌شده از آن مصنوع تثبیت خواهد شد. چهارم، محیط اجتماعی - فرهنگی و سیاسی است که مصنوعات در آن شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند و بر آن محیط نیز تأثیر می‌گذارند (Klein & Kleinman, 2002: 29-30).

با گسترش اینترنت و ارتباطات دوربرد رایانه‌ای و گسترش آن، نوعی حوزه عمومی مجازی در فضای سایبری شکل گرفته است. اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی، خود از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران اجتماعی گوناگون است و از سوی دیگر، منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و درنهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراضی در جهان به شمار می‌رود. شبکه‌های اجتماعی مجازی با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات با به کنش‌های اعتراضی گسترده دامن می‌زنند. در واقع، شبکه‌های اجتماعی مجازی مجرای مهمی برای گروه‌های در حاشیه مانده سیاسی و رفتارهای اعتراضی آن‌ها هستند. این شبکه‌ها به‌مثابه مراکز قدرت خودگردان هستند که به تقویت شخصی‌سازی سیاست کمک می‌کنند (عدلی پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۶۰ و ۱۷۰). اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ممکن است به قطب‌بندی سیاسی و افراط‌گرایی منجر شود. به نظر هوارد^۱ اینترنت می‌تواند به تقویت جنبش‌ها و گروه‌های در حاشیه مانده کمک کند؛ زیرا اینترنت بدون سانسور می‌تواند اجازه دهد شهروندان به گزارش اخبار، افشای تخلف، ابراز نظرات، بسیج اعتراضات، گسترش آزادی و... دسترسی داشته باشند و حتی به‌وسیله آن دولت‌ها را پایین بیاورند (Henry, 2012: 37 & 44).

با توجه به آنچه بیان شد باید گفت که یمن کشوری با ساخت اجتماعی از هم‌گسیخته است و جنگ آن باعث افزایش فرقه‌گرایی و فقر شده است. ساخت اجتماعی تکنولوژی به ما می‌گوید: زمانی که مصنوعات و تکنولوژی از جمله رسانه‌های اجتماعی وارد این ساخت

¹ Howard

منازعه‌آمیز شوند تحت تأثیر شرایط اجتماعی - سیاسی قرار می‌گیرند و به بازتولید منازعات موجود منجر می‌شوند. گروه‌ها و فرقه‌های موجود در یمن با اشتراک‌گذاری نظرات و دیدگاه‌های خود، سایر گروه‌ها را به‌عنوان دیگری معرفی می‌کنند و اختلافات را در رسانه‌ها افزایش می‌دهند. این در حالی است که اگر ساخت اجتماعی یمن یکپارچه و مبتنی بر صلح بود، گفتمان رسانه‌ای آن نیز در همین راستا عمل می‌کرد؛ مانند آنچه در دموکراسی‌های غربی وجود دارد. آنچه واضح است این است که برای درک درست از تکنولوژی و کارکرد آن در یمن نمی‌توان به محیط و عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بی‌توجه بود؛ زیرا فرهنگ‌ها خالقان تکنولوژی هستند.

۴- سطوح منازعات و ساخت اجتماعی در یمن

یمن از سال ۲۰۱۵ درگیر یک جنگ داخلی مداوم است. این درگیری توسط اختلافات فرقه‌ای، مذهبی و سیاسی دامن زده می‌شود، زیرا یمن در مقایسه با بقیه شبه‌جزیره عربستان نسبتاً چندفرهنگی است. یمنی‌ها چندین جنگ داخلی از جمله درگیری در شمال یمن را از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ و یک جنگ خونین در سال ۱۹۹۴ پس از مقاومت در برابر اتحاد ۱۹۹۰ این کشور متحمل شده‌اند. علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور پیشین یمن، به دلیل تمام مبارزات داخلی خود، حاکمیت این کشور را شبیه «رقصیدن روی مارها» توصیف کرد. آثار جنگ داخلی کنونی با یک سری اعتراضات خونین در بهار عربی همراه بوده است که باعث شد علی عبدالله صالح در سال ۲۰۱۱ از قدرت کناره‌گیری کند. پس از وی، منصور هادی موظف به تشکیل یک دولت واحد در یمن شد که نهایتاً در اتحاد کشور ناکام ماند و آن را تا حد زیادی بدون حاکمیت رها کرد. عدم کنترل، منجر به ایجاد خلأ قدرت شد که امکان رشد جناح‌های شورشی، رقابت با دولت‌های تحت حمایت خارجی و مسئله حاد افراط‌گرایی را فراهم آورد. یمن، به‌عنوان یک میدان نبرد، یک میکروسکوپ جالب‌توجه از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است که در تلاش هستند تا قدرت خود را به‌پیش ببرند و منافع خود را آشکار سازند. جنگ داخلی یمن در مرکز نبرد ایران و عربستان برای هژمونی منطقه قرار دارد (Insikt Group, Recordedfuture, 2018). یمن یک پایگاه تروریستی برای القاعده محسوب می‌شود و در سال‌های اخیر خشونت‌های فراوانی نظم اجتماعی یمن را تهدید می‌کند. تا قبل از سال ۲۰۰۸، خشونت را می‌توان به اختلاف بین گروه‌های قومی - مذهبی نسبت داد؛ اما تهدیدات غذایی و مشکلات اقتصادی به دامنه خشونت افزوده است (Gros & Gard-Murray & Bar, 2012: 1). جمعیت یمن تقریباً ۲۹ میلیون نفر است. یمنی‌ها مسلمان هستند و اکثراً به زبان مادری خود یعنی عربی صحبت می‌کنند. به‌غیر از دو اقلیت قومی ماهری و سکوتری، چهار گروه اصلی یمن عبارت‌اند از: اقلیت نخبگان متعلق به خانواده‌های بلندپایه که گاهی ادعای این را دارند که از تبار حضرت محمد (ص) هستند و شامل مردان مذهبی و زمین‌داران بزرگ می‌شود که حدود ۵ درصد جمعیت را شامل می‌شود. اقلیتی از ارائه‌دهندگان خدمات مثل هنرمندان، قصاب‌ها، آرایشگران و... که زمین ندارند و برای دفاع از خود به قبایل وابسته هستند و اسلحه می‌خرند که ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. انواع افراد حاشیه‌ای که عمدتاً بدون زمین هستند و ثبت نشده‌اند که تخمین زده می‌شود حدود ۱۰ درصد باشند. در مناطق شهری یمن گروه‌های اجتماعی خاصی وجود دارد که عمدتاً بر اساس شغل دسته‌بندی می‌شوند. موفقیت و قرارگرفتن در گروه‌های اجتماعی خاص در یمن به میزان زیادی به مهارت، سرمایه و ادغام در شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد (World Bank, 2006: 9-13). در یمن، احزاب محلی وجود داشتند که برخی از آن‌ها در حال حاضر موجودیت ندارند که عبارت‌اند از:

الف) یمنی‌های وفادار به منصور که در سال ۲۰۱۲، ۹۹/۸ درصد از آرا را کسب کردند و به‌عنوان رئیس‌جمهور از ماه فوریه شروع به کارکرد اما در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۵ توسط شورشیان حوثی انحلال یافت.

ب) شیعیان زیدی که بخشی از شورش حوثی هستند.

ج) یمنی‌های وفادار به رئیس‌جمهور پیشین یمن یعنی علی عبدالله صالح (Cleary, 2016: 54). در شمال یمن، تشکیل جمهوری عربی یمن (یار) در سال ۱۹۶۲ به قرن‌ها حکومت امامان زیدی پایان داد. زیدی‌ها، اقلیت بزرگی که به طور مشخص از اسلام شیعی یمنی پیروی می‌کنند، از برتری سیاسی و نظامی در سلطنت امامت برخوردار بودند. از دست دادن قدرت زیدی‌ها به دلیل تولد جمهوری، در نهایت به شکل‌گیری گروه جوانان مؤمن در دهه ۱۹۹۰ کمک کرد که به دنبال احیای وضعیت جامعه بود و جنبش حوثی از آن بیرون آمد. نیروهای حوثی از سال ۲۰۰۴ به مدت شش سال در شش جنگ علیه دولت جنگیدند و در سال ۲۰۱۱ جنبش حوثی به قیام مردمی پیوست که علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن را مجبور به کناره‌گیری کرد. مقامات حوثی بعداً با صالح متحد شدند تا جانشین وی،

رئیس‌جمهور منصور هادی را بیرون برانند و کنترل صنعا، پایتخت را در سال ۲۰۱۴ در یک کودتای نظامی به دست گرفتند. مقامات حوثی، مقامات دولتی و نظامی را با کادرهای هاشمی زیدی جایگزین کردند که عمدتاً به دلیل هویت فرقه‌ای و نه تخصص و شایستگی خود منصوب شده بودند. گسترش حوثی‌ها از پایگاه شمالی آن‌ها در صعده به شهرهای جنوبی، محل سکونت جامعه سنی شافعی یمن، باعث شعله‌ور شدن روایت فرقه‌ای در این درگیری شد. احزاب متخاصم از لفاظی‌های فرقه‌ای برای جذب جنگجویان و بسیج حمایت استفاده می‌کردند، درحالی‌که رهبران سیاسی هر دو طرف از زبان فرقه‌گرایانه برای توصیف رقبای سیاسی خود استفاده می‌کردند. رقابت سیاسی باعث ایجاد شکاف‌های فرقه‌ای شده و درگیری‌ها جنبش استقلال در جنوب را احیا کرده است. از سویی حاشیه‌نشینی، محرومیت و فقر، شکستگی‌های جدیدی در بافت اجتماعی ایجاد کرده است، نزدیک به نیمی از جمعیت در سال ۲۰۱۴ زیر خط فقر زندگی می‌کردند، تشدید درگیری منجر به فروپاشی اقتصادی شده است، حقوق کارمندان یمن بیشتر از دو سال است که پرداخت نشده است، فرصت‌های شغلی کمیاب است و ارزش ریال یمن به شدت کاهش یافته است. علاوه بر این، درگیری باعث ایجاد بیش از ۳ میلیون آواره داخلی شده است که بسیاری از آن‌ها از شهرها به زادگاه و روستاهای خود بازگشته‌اند. بازگشت آن‌ها بار اضافی را برای جوامع میزبان که منابع آن‌ها قبلاً کمیاب بوده، ایجاد کرده است. نتیجه این شرایط کشوری است که هرگز تا این حد از هم‌پاشیده نبوده است (Ghanem, Sanaacenter, 2019). میزان کل جمعیت شیعیان جهان حدود ۲۰۰-۱۶۰ میلیون نفر یعنی ۱۳-۱۰ درصد از کل جمعیت مسلمانان است، در حوزه خلیج‌فارس ایران با بیش از ۹۰ درصد، بیشترین جمعیت شیعی را دارد و حدود ۵۸ درصد منابع نفت دنیا نیز در مناطق شیعه‌نشین کشورهای ایران، عراق، عربستان، کویت و امارات قرار دارد. این واقعیت‌ها به همراه رشد خودآگاهی سیاسی شیعیان در کشورهایی چون عراق، سوریه، یمن و...، ژئوپلیتیک منطقه را به نفع ایران متحول کرده است. پیوستگی مذهب و منافع ملی ایران، به این عنصر در سیاست خارجی ایران محوریت بخشیده است (مرادی کلاره، ۱۳۹۶: ۲۰۵). اعتراضات مردمی یمن در سال‌های اخیر، نگاه دو کشور رقیب شیعه و سنی‌مذهب، یعنی ایران و عربستان در منطقه را به خود جلب کرده است. ایران با تقویت حس انقلابی و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان یمن به وضعیت مطلوب‌تر و شرکت‌دادن آن‌ها در اداره امور کشور یمن تأکید دارد. از طرفی عربستان کشور یمن را مکمل استراتژیک خود می‌داند و برای سرکوب اعتراضات به مداخله نظامی پرداخته است. الگوی شکل‌دهنده به رفتار سیاست خارجی عربستان در برخورد با یمن، ترکیبی از حفظ و نفوذ بوده و الگوی رفتاری آنان مقابله با شیعیان و گسترش جنگ مذهبی در محیط منطقه‌ای است (سمیعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲). از سویی حمایت همه‌جانبه ایالات متحده از عربستان در حمله به یمن، باعث تشدید منازعات است. در واقع عربستان ائتلافی به رهبری خود و پشتیبانی ایالات متحده و بریتانیا ایجاد کرده است که به یمن حمله کرده و یکی از مهم‌ترین بحران‌های انسانی جهان را به وجود آورده است که تعداد زیادی غیرنظامی را کشته‌اند. فروش روزافزون تسلیحات به عربستان توسط ایالات متحده و تشدید حملات به یمن منطقه را با تعمیق بحران روبرو کرده است (Gardian, 2018).

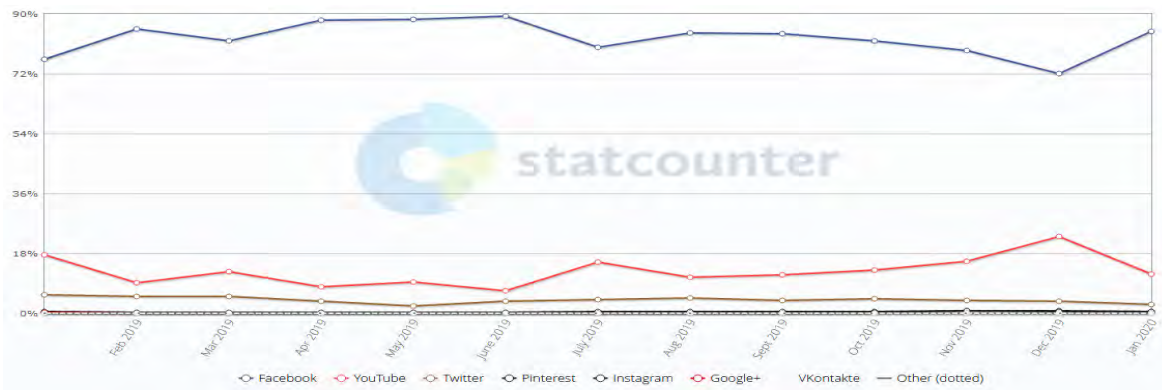
از این رو باید گفت پس از نزدیک به پنج سال درگیری و دخالت بازیگران خارجی، یمن بیش از هر زمان دیگری در تاریخ اخیر چندپاره شده است. این جنگ نارضایتی‌های دیرینه را تشدید کرده و شکاف‌های جدیدی در بافت اجتماعی یمن ایجاد کرده است. درحالی‌که منشأ درگیری در مبارزه سیاسی برای قدرت نهفته است، جنگ یک روایت فرقه‌ای را بیدار کرده، درخواست‌ها برای جدایی را در جنوب احیا کرده و به‌طور کلی انسجام اجتماعی یمن را از بین برده است. درحالی‌که عمق شکاف کنونی در یمن بی‌نظیر است، تنش‌های آشکار در جنگ را می‌توان در ناامیدی‌های تاریخی جستجو کرد که هرگز حل نشد.

۵- نقش رسانه‌های اجتماعی جدید در تشدید منازعات یمن

در دهه‌های گذشته؛ یعنی تا قبل از پایان جنگ سرد، جمعیت جوان خاورمیانه به دلایل پیچیده‌ای از جمله باورهای مذهبی، سنت‌ها، روش‌های کنترل ناکارآمد و ... با مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه بودند؛ بسیاری از آنان از بیکاری و عدم رونق اقتصادی و عدم فضای باز سیاسی رنج می‌بردند به همین دلیل به مهاجرت، ارتکاب جرم، اعتیاد، رفتارهای خشونت‌آمیز و ... روی آوردند. با ورود تکنولوژی‌های مختلف به‌ویژه تکنولوژی‌های اجتماعی به منطقه بدون ایجاد بستر برای چگونگی استفاده از آن مشکلات خاورمیانه نه تنها کاهش نیافت؛ بلکه تشدید شد. پیچیدگی‌های عظیم اجتماعی، فناوری اطلاعات، به‌ویژه اینترنت و صفحات گسترش‌یافته

صفحه وب، نه تنها تأثیر مثبت جهانی بر جوامع معاصر داشته؛ بلکه موجب نگرانی‌های مختلف اجتماعی در خصوص امنیت، جرائم سایبری، گسترش ناامنی‌ها و ... شده است (Hashem, 2008: 4-5). تحولات و کنش‌های منطقه در عراق، سوریه، مصر، تونس، یمن، عربستان و جاهای دیگر خاورمیانه به شدت تحت تأثیر فناوری‌های اینترنتی و رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیس‌بوک، تلفن‌های همراه و ... می‌باشد (Alhindi & et.al, 2012: 106-107).

نمودار ۱- آمار رسانه‌های اجتماعی یمن (ژانویه ۲۰۱۹ - ژانویه ۲۰۲۰)



Source: (Statcounter, 2020)

اینترنت در یمن به سرعت در حال گسترش است و شاخص ضریب نفوذ آن ۲۵.۱ درصد می‌باشد که ارتباط زیادی با رسانه‌های اجتماعی دارد. کاربران اینترنت در یمن در دسامبر ۲۰۱۷ بیش از ۷ میلیون بود. کاربران فیس‌بوک بیش از دو میلیون نفر (نفوذ ۸) هستند. در طول سه سال گذشته، گسترش بازار G۳ عادات مردم را تغییر داده است. در ۲۰۱۹، ۹۰ درصد از جمعیت که طبق برآورد سازمان ملل بیش از ۲۹ میلیون نفر هستند، از طریق موبایل به اینترنت دسترسی دارند و از رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک برای دسترسی به اخبار یا اشتراک‌گذاری به‌روزرسانی‌های جنگ، حملات هوایی، حملات و تلفات، علاقه‌ها و نظرات خود استفاده می‌کنند. تا مارس ۲۰۱۶، ۹۳ درصد از جمعیت یمن از فیس‌بوک، ۹۲ درصد از واتساپ، ۴۱ درصد از یوتیوب، ۳۵ درصد از گوگل پلاس و ۳۱ درصد از اینستاگرام استفاده می‌کردند (Al-Shami, 2019: 431).

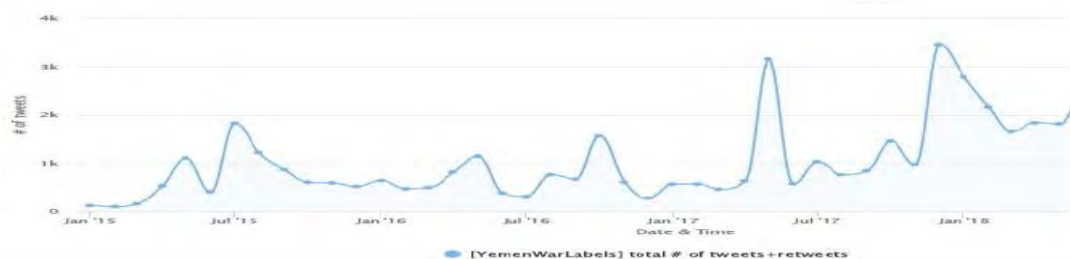
مگی مایکل، گزارشگر مستقر آسوشیتدپرس در قاهره، چند سال مراکز بازداشت یمن را تحت پوشش قرار داده است. او به آن پی. آر^۱ گفت: «حوثی‌ها هرکسی که مظنون به مخالفت است را بازداشت کردند - از روزنامه‌نگاران گرفته تا سیاستمداران رقیب گرفته تا قبیل‌ها تا جوانان عادی که فقط انتقاداتی را در رسانه‌های اجتماعی مثل یک گروه واتساپ ارسال می‌کنند». با ابتکار آژانس توسعه رسانه‌های فرانسوی^۲ و یونسکو، ۱۲ روزنامه‌نگار یمنی (معروف به «اتاق خبر صلح یمن») از سوئد گزارشی در مورد مذاکرات برای پایان‌دادن به نبرد در کشور خود را ارائه دادند. فیصل ادروس و افرا ناصر - روزنامه‌نگاران یمنی و سوئدی - برای الجزیره توضیح داد: «آن‌ها تحولات مذاکرات را مستقیماً،^۳ برای میلیون‌ها یمنی از طریق توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوب انتقال می‌دهند». (Radcliffe, 2019).

بازیگران اصلی بین‌المللی، از جمله ایالات متحده، روسیه و چین، برای به دست آوردن منافع خود در منازعه منطقه‌ای، عربستان سعودی و ایران برای هژمونی در یمن، از بدافزارها و شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های نظامی، اهرم‌های سیاسی و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند (Group, Recordedfuture, 2018 Insikt). مطبوعات ایران، در ماه دسامبر ۲۰۱۹ در یک کارزار آنلاین با استفاده از رسانه‌های اجتماعی نوشتند: «خواستار تحریم محصولات سعودی در اعتراض به جنایات جنگی رژیم علیه مردم یمن است». ایران و عربستان سعودی طرفین درگیر در جنگ یمن هستند. پرس تی‌وی اظهار داشت: «مردم یمن، لبنان، فلسطین، عراق، تونس، مصر و چندین کشور عربی دیگر بر روی سکوها رسانه‌های آنلاین اجتماعی مانند توئیتر بسیج شده‌اند تا یک حرکت جهانی

¹ NPR

² CFI

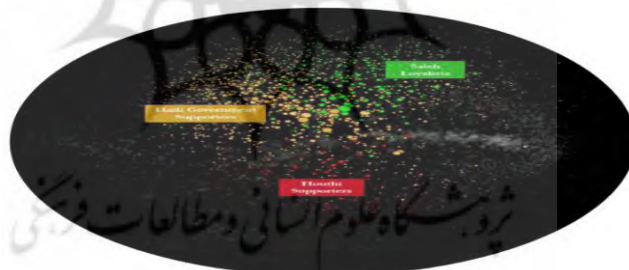
علیه جنگ به رهبری عربستان سعودی علیه یمن را تحریک کنند». مردم یمن برای شنیدن صدای آن‌ها به تویتر رفته‌اند. الجزیره گزارش داد: با استفاده از هشتگ #BringDevBack (بازگشت توسعه به یمن)، مردم یمن از این شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند تا در مورد راه‌های پیشبرد جنگ و بهبود اوضاع در یمن گفتگو کنند (Radcliffe, Medium, 2019).
 نمودار ۲- میزان توییت‌های نفرت‌انگیز در یمن (ژوئیه ۲۰۱۶ تا ژوئیه ۲۰۱۸)



Source: (Ankers, 2018: 7)

این نمودار تعداد کل توییت‌های حاوی پنج کلمه تنفرآمیز: دحباشی^۱، برغلی^۲، سالالی^۳، انفصالی^۴ و زنبیل^۵ است. بزرگ‌ترین و بیشترین افزایش مداوم سخنان نفرت‌آمیز را می‌توان از دسامبر ۲۰۱۷ مشاهده کرد که مصادف است با شکست اتحاد صالح با حوثی‌ها که به درگیری آشکار در صنعا منجر شد و پس‌از آن، صالح توسط نیروهای حوثی کشته شد. تعداد قابل توجهی از کاربران در یمن و عربستان سعودی که مستقیماً درگیر جنگ هستند، با استفاده از ابزارهای دورزدن، فیلتر را دور می‌زنند. این نقشه شامل سه شبکه عمدتاً همگن است که در خطوط سیاسی و مواضع جنگ جدا شده‌اند. کاربران در هر شبکه تناقضات را با شرایط خودتنظیم می‌کنند و احساسات خود را درباره تحولات سیاسی، فعالیت‌های جنگ روزانه، مداخلات نظامی تحت رهبری عربستان سعودی و تلاش‌های سازمان ملل بیان می‌کنند.

نمودار ۳- نقشه سیاسی تویتر یمن



Source: (Noman & at el, 2018: 12)

۱. طرفداران حکومت منصور هادی: کاربران این شبکه نسبت به حوثی‌ها و صالح بسیار حساس هستند. آن‌ها از تلاش‌های نظامی انجام‌شده توسط دولت هادی و ائتلاف تحت رهبری سعودی پشتیبانی می‌کنند و تصاحب حوثی‌ها از این کشور را یک کودتای نظامی می‌دانند. آن‌ها استدلال می‌کنند که مداخله نظامی ائتلاف در یمن برای بازگرداندن دولت رئیس‌جمهور هادی و مبارزه با مبارزان حوثی تحت حمایت ایران ضروری است. کاربران محتوایی را جمع به جنایات و نقض حقوق بشر ادعا شده از سوی نیروهای حوثی و صالح را منتشر می‌کنند (Noman & at el, 2018: 12).

¹Dhabashi
²Berghali
³Salali
⁴Infisaliun
⁵Zanbeel

۲. حامیان حوثی: حوثی‌ها پس از کنترل پایتخت یمن در سپتامبر ۲۰۱۴، کنترل خود را بر یمن نت، تله یمن و سایر ارائه‌دهندگان مخابراتی مستقر در این شهر به دست آوردند. در ژوئن سال ۲۰۱۸، آن‌ها همچنین کنترل ارائه‌دهنده تلفن همراه غالب، ام. تی. ان^۱ یمن را به دست گرفتند؛ بنابراین، حوثی‌ها اکنون به همان ابزارهای کنترل دسترسی و سانسور که قبلاً برای مختل کردن یا نظارت بر فعالیت اینترنت استفاده می‌شده‌اند، دسترسی دارند (Insikt Group, Recordedfuture, 2018). این شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران منطبق با حوثی‌ها جمع شده است. آن‌ها مبارزات نظامی علیه مخالفان حوثی‌ها و علیه نیروهای وفادار به صالح را تشویق می‌کنند و فعالیت حوثی‌ها در کشور را یک انقلاب مردمی می‌دانند. آن‌ها معتقدند رئیس‌جمهور هادی پس از دعوت از نظامیان خارجی به یمن، اعتبار خود را از دست داد. کاربران فیلم‌های گرافیکی ارسال می‌کنند و آنچه آن‌ها توصیف می‌کنند، ظلم و ستم ناشی از عملیات نظامی عربستان سعودی در یمن است. پس از قتل صالح، کاربران در این شبکه قتل او را جشن گرفتند و مبارزات اطلاع‌رسانی را علیه کسانی که به او وفادار مانده‌اند، راه‌اندازی کردند. حامیان حوثی از طریق شبکه‌های اجتماعی گزارش‌های گسترده‌ای از عملیات نظامی خود علیه نیروهای وفادار به دولت هادی و عربستان سعودی ارائه می‌دهند.

۳. وفاداران صالح (در زمان حیات وی): این شبکه از افراد وفادار به صالح تشکیل شده بود. آن‌ها از کشته‌شدن صالح سوگواری کردند، از عملیات نظامی علیه سربازان وفادار به هادی پشتیبانی می‌کنند و عملیات نظامی سعودی را محکوم می‌کنند. آن‌ها منصور هادی را مسئول سقوط نظام سیاسی در یمن می‌دانند. وفادارهای صالح از وبسایت‌هایی استفاده می‌کنند که سخنان و دیدگاه‌های وی را در مورد درگیری و تحولات نظامی منتشر می‌کنند که برای هادی و نظامیان سعودی بسیار مهم هستند (Noman & at el, 2018: 13-19). این گروه‌ها با تشدید فعالیت آنلاین خود درصدد برتری خود بر دیگری و به دست گرفتن قدرت هستند؛ فارغ از این مسئله که اختلاف آن‌ها در حال تعمیق یافتن است و روند اتحاد یمن با دشواری و پیچیدگی شدیدی مواجه شده است. هشتگ‌ها، توییت‌ها، فیلم‌ها، بیانیه‌ها و... مختلفی توسط گروه‌های مختلف یمن در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود که موجب تشدید منازعات یمن شده است. در تحقیقی، فهرستی از اصطلاحات توهین‌آمیز و تنش‌آمیز در توییت‌ها استخراج شده است که نشان از شدت منازعات گروه‌های مذکور در شبکه‌های اجتماعی است و در ذیل به آن اشاره می‌شود.

جدول ۱- لیست اصطلاحات توهین‌آمیز و انتهایی در توییت یمن

اصطلاحات	توضیحات
عفاشی	عفاش نام خانوادگی سابق صالح است که آن را پنهان کرده بود و مخالفان وی برای طعن‌زدن به هواداران صالح از آن استفاده می‌کنند.
برغلی	بیشتر اوقات توسط مردم صنعا برای مسخره کردن ساکنان تعز استفاده می‌شود.
داعشی	این کلمه به معنی عضو داعش است، شامل هرکسی که در اعتقادات یا اعمال خود رادیکال به نظر می‌رسد.
دحباشی	این اصطلاح بر اساس نام یک شخصیت (دحباش) در برنامه تلویزیونی است که بعدها برای مسخره مردم شمال یمن از آن استفاده شد.
هاشمی	اصطلاح هاشمی به یک قبیله عرب منتسب به پیامبر اشاره دارد و از این اصطلاح برای تبعیض بین کسانی که فرزندان پیامبر و کسانی هستند که نیستند استفاده می‌شود.
حوثی	جنبش سیاسی زیدیه شیعه که نام رسمی آن انصارالله است؛ این کلمه دارای چندین مفهوم است، از جمله پیوندی با ایران و استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف.
انفصالی	اصطلاح انفصالی به «جدایی طلب» ترجمه می‌شود که جنبش جدایی طلب جنوبی یمن، اگرچه نه همه جنوبی‌ها از تقسیم کشور حمایت می‌کنند.
جنوبی	این کلمه به لحاظ تاریخی شامل برخی از خصوصیات منفی است؛ مانند الحاد، پایبندی ضعیف به اسلام و اخلاق بد که نشان از تمایز بین شمال و جنوب یمن دارد.

¹MTN

خادم نام پایین‌ترین گروه در ساختار اجتماعی یمن است. به طور سنتی، تنها مشاغل موجود در اختیار آن‌ها شامل خدمات	خادم
نظافت، جمع‌آوری زباله و گدایی است.	
به معنای کسی است که مرتد یا کافر باشد این کلمه همچنین به نزدیکی با ایران و موضع طرفدار ایرانی در یمن و غیره	مجوسی
اشاره دارد.	
به هر کس که غیرقانونی امرامعاش می‌کند، اطلاق می‌شود که به‌عنوان وطن‌فروش شناخته می‌شوند.	مرتزق
این اصطلاح به طبقه سوم در سلسله‌مراتب اجتماعی یمن اشاره دارد؛ مانند قصاب‌ها، آرایشگران، آهنگران و غیره.	مزین
در یمن به طبقه اجتماعی بالا سید گفته می‌شود که از حق مقدس برای اداره کشور برخوردار هستند.	سید
این اصطلاح نشانگر منطقه شمالی یمن است، به‌ویژه کسانی که در صنعا و سعدة ساکن هستند. معنی آن، به‌ویژه هنگامی که	شمالی
توسط افراد جنوبی کار می‌شود، به بی‌قانونی و تمایل به عمل بر اساس نفع شخصی خود اشاره می‌کند.	
اصطلاح اغلب در شمال، به‌ویژه توسط حوثی‌ها یا در شمال توسط کسانی که به‌عنوان هاشمی شناخته می‌شوند استفاده می‌شود	زنبیل
تا خود را از افراد طبقه پایین متمایز کنند.	
این عبارت به «اتحاد یا مرگ» ترجمه می‌شود و مورداستفاده شمال غربی‌ها برای تهدید جنوب به پذیرش اتحاد است که	الوحده او
عمدتاً توسط تجزیه‌طلبان استفاده می‌شود. این اصطلاح به‌شدت التهایبی است، زیرا خشونت و خونریزی را تحریک می‌کند.	الموت
به حماقت و همچنین به نام خانواده منصور هادی اشاره دارد که برای اعتراض به سیاست‌های وی در جنوب مورداستفاده	دنبوعی
قرار می‌گرفت.	دنبوع
این عبارت به «پسران موساد» ترجمه می‌شود و سرچشمه یک سریال رادیویی است و به شخصیت‌های خودخواه، فرصت‌طلب	عیال مسعدة
و فریبکار اشاره دارد.	
این کلمه برای توهین به الزوبیدی و هواداران وی به‌عنوان رئیس مجلس انتقالی جنوبی استفاده شد.	فوانیس
این کلمه از «الهیرک»، نام عربی جنبش جنوب گرفته شده است و توسط شمالی‌ها علیه جنوبی‌ها استفاده می‌شود.	حراکش
این کلمه مربوط به اعضای حزب اسلامی (نزدیک با اخوان‌المسلمین) است. این اصطلاح به دلیل تصوراتی که از اعضای	اصلاحی
اصلاح وجود دارد، با «داعشی» ارتباط نزدیکی دارد که درگیر تروریسم هستند.	
به معنای کسی است که غیر مؤمن است که علیه جدایی‌طلبان جنوبی استفاده می‌شود.	مرتد
این اصطلاح به «کمونیست» ترجمه می‌شود و توسط یمنی‌های شمالی علیه یمنی‌های جنوبی استفاده می‌شود. به این معنی که	شیوعی
شخصی که برچسب زده شده است یک ملحد یا غیر مؤمن است.	

Source: (Ankers, 2018: 7-26)

زمانی که منطقه‌ای درگیر منازعات قومی - مذهبی باشد، فناوری دیجیتال بجای ایفای نقش مثبت در زمینه تحقق نظم دموکراتیک، به ابزاری برای گروه‌های بنیادگرا، قوم‌گرا و گروه‌های مسلحی بدل می‌شود که تمایل زیادی دارند از ظرفیت‌های فناوری دیجیتال به‌عنوان ابزاری برای تبلیغ، نفرت افکنی، ایجاد هراس و جلب حمایت و وفاداری سودجویان و افراد دارای جهت‌گیری تندروانه قومی و مذهبی را گسترش داده و در کشورهای دچار انقلاب‌های عربی، به محملی برای گسترش واگرایی قومی و مذهبی و جلب هوادار برای گروه‌های تندرویی چون داعش از جای‌جای جهان بدل شده است تا جایی که نه به‌عنوان یک ابزار بلکه به‌عنوان یک متغیر مستقل در تشدید منازعات بین‌اهلیتی عمل می‌کند. فناوری دیجیتال عامل وضعیت موجود در خاورمیانه از جمله نیستند؛ اما مهم‌ترین عامل تشدید این وضعیت است (کاظمی، ۱۳۹۵: ۷۲۱). در واقع روابط اجتماعی یمن متأثر از شبکه‌های اجتماعی جدید است. تاریخ و فرایندهای منازعه‌آمیز یمن باعث می‌شود تکنولوژی نیز در راستای بازتولید این منازعه‌ها مورداستفاده قرار گیرد.

نتیجه

از آنجاکه یمن یک کشور با ساخت اجتماعی منازعه‌آمیز مبتنی بر فرقه‌گرایی، فقر و دخالت کشورهای خارجی بوده است، اشیا و تکنولوژی نیز زمانی که وارد این منطقه می‌شود به ابزاری برای بازتولید منازعات تبدیل می‌شود؛ چراکه هر یک از بازیگرانی که در این منطقه حضور دارند، سعی می‌کنند از آن برای افزایش قدرت و منافع خود استفاده کنند. در بسیاری از مناطق دموکراتیک جهان از

شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای گسترش ارتباطات و تعاملات و افزایش ثروت استفاده می‌شود؛ اما این امر به‌خاطر ساخت اجتماعی - فرهنگی یمن کاملاً برعکس است و همین‌جاست که ساخت اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. اگر ساخت اجتماعی مبتنی بر تعاملات، دموکراسی و ارتباط باشد شبکه‌های اجتماعی نیز در راستای گسترش این ارزش‌ها و ساختار به کار گرفته می‌شود؛ اما اگر ساخت اجتماعی مبتنی بر منازعه، رقابت، قبیله‌گرایی، نژادپرستی و... باشد شبکه‌های اجتماعی نیز در راستای تقویت و تشدید این ساختارها عمل می‌کنند. بازیگران، شخصیت‌ها و افرادی که به تکنولوژی‌های واردشده به این کشور و نحوه استفاده از آن‌ها شکل می‌دهند منجر به تشدید منازعه شده‌اند. در یمن رسانه‌های اجتماعی همان‌طور که متأثر از افراد بود بر آن‌ها نیز تأثیر گذاشت و یک رویکرد دوگانه داشت، به این صورت که افراد با استفاده از شبکه‌های اجتماعی سعی در آگاهی‌بخشی، گسترش عقاید، انسجام، جذب نیرو و... داشتند که از یک‌سو انسجام میان گروهی افراد را افزایش داد و نیروهای جدیدی به آن‌ها ملحق شد؛ اما از سوی دیگر یک فضای رقابتی و منازعه‌آمیز برای کسب قدرت بیشتر بین آن‌ها شکل گرفت که مهم‌ترین و بارزترین نمونه آن‌ها تشدید اختلاف میان بازیگران فعال در یمن است. درواقع یمن به‌عنوان یکی از تنش‌زاترین مناطق خاورمیانه به‌شدت تحت‌تأثیر تکنولوژی‌های اجتماعی جدید قرار گرفته است و درواقع این شبکه‌های اجتماعی نیز تحت‌تأثیر ساخت منازعه‌آمیز یمن به عاملی در تشدید این منازعات تبدیل شده است. با بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در منازعات یمن مشخص شد که شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک، توئیتر، تلگرام، یوتیوب و... به گسترش و تشدید منازعه میان گروه‌ها، اقوام و فرقه‌های آن منجر شده است و این فناوری‌ها به فضایی برای تنش بیشتر میان هویت‌ها تبدیل شده است. به عبارتی محیط فرهنگی - اجتماعی یمن که مبتنی بر رقابت میان گروه‌ها و هویت‌های مختلف می‌باشد باعث شده است تکنولوژی‌های اجتماعی جدید نیز در این راستا قرار گیرند. ازاین‌رو شاهد آن تأثیر و تأثر رسانه‌های اجتماعی جدید و هویت‌های مختلف یمن بر یکدیگر هستیم.

منابع

- آدمی، علی؛ نکویی، سید احمد. (۱۳۹۷). «نقش و جایگاه رسانه در راهبردهای گروه‌های سلفی جهادی و تأثیر آن بر خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۳۲۵-۲۹۳.
- آقایی، سید داود؛ صادقی، سید سعید؛ هادی، داریوش. (۱۳۹۱). «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازمان‌دهی و گسترش سریع تحولات)»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۳۴-۷.
- آل‌سیدغفور، سید محسن؛ رومی، فرشاد. (۱۳۹۲). «تکنولوژی و تحولات سیاسی در جهان عرب»، *فصلنامه سیاست*، دوره چهل و سوم، شماره ۴، صص ۹۹-۱۱۵.
- اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۳). «امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در عرصه سیاست»، *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، شماره ۱۵، صص ۵۵-۸۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی؛ نیک‌فر، جاسب. (۱۳۹۴). «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در تحولات یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲، صص ۲۷-۱.
- عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید؛ قصابی، رضوان؛ طاهری، نقی. (۱۳۹۳). «تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی جوانان»، *فصلنامه فرهنگ ارتباطات*، سال پانزدهم، شماره ۲۸، صص ۱۷۳-۱۵۵.
- کاظمی، حجت. (۱۳۹۵). «سیاست دیجیتال و تباهی سیاسی در دولت‌های ضعیف: تجربه انقلاب‌های عربی»، *فصلنامه سیاست*، دوره چهل و ششم، شماره ۳، صص ۷۲۶-۷۰۹.
- مرادی کلارده، سجاد؛ روحی دهبه، مجید؛ سیمبر، رضا. (۱۳۹۶). «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۲۲۳-۱۹۷.

- Al – Shami, A. (2019). "How new media empower Yemeni people to reveal war stories", *Qatar University*, pp428-442.
- Alhindi, W., Talha, M., & Sulong, G.(2012). "The Role of Modern Technology in Arab Spring", *College of Business Administration Research Center*, No. 8, vol 65, pp 101-112.
- Feenberg, A. (2002). "Critical Theory of Technology", Last visit at 2002.09.11, available in: www.sfu.ac.
- Ankers, K. (2018). *Social Media and Conflict in Yemen: A Lexicon of Hate Speech Terms, Development Transformations, Peace Track Initiative*.
- Bargh, J., Mckenna, K.(2004). "The Internet and Social Media", *Rev.Psychol*, Vo.155, pp 573-590.
- Cleary, S. (2016). "Identity Politics, Sectarian Conflict, and Regional Political Rivalry in the Middle East", *Trilogue Salzburg*, pp26-57.
- Communication, " Social Construction of Technology", Last visit at 2023.01.18, available in: <http://communication.iresearchnet.com>
- Cockfield, A., Pridmore, J. (2007) . "A Synthetic Theory of Law and Technology", *MINN.J.L*, 8 *TECH*,(8)2, pp473-513.
- Farrell, H. (2012). "The Consequences of the Internet for Politics", *Annu Rev.Polit.Sci*, No 15, pp35-52.
- Gardian (2018). "Iran deal: how Trump`s actions could flave Violence in Middle East". Last visit at 2018. 4.18, available in: www.theguardian.com.
- Ghanem, A. (2019). " Addressing Social Fragmentation in Yemen", Last visit at 2019.11.01, available in: <https://sanaacenter.org/publications/analysis/7137>
- Henry, F.(2012). "The Consequences of the Internet for Politics", *Annu Rev.Polit.Sci*, No 15, pp35-52.
- Gros, A., Gard-Murray, A., Bar-Yam, Y. (2012). "Conflict in Yemen: From Ethnic Fighting to Food Riots", *New England Complex System Institue*, pp1-15.
- Hashem, M. (2008). "Impact and Implications of Neww Information Technology on Middle Eastern Youth", *International Communication Association Conference*, pp 1-18.
- Insikt Group (2018). "Underlying gignensions of Ye`en` s Civil War: Control of the Internet", Last visit at 2018.08.02, available in: <https://www.recordedfuture.com>
- Johnson, D. (2023). " Social Construction of Technology", Last visit at 2023.01.18, available in: <https://www.encyclopedia.com>
- Klein, H., & Kleinman, D. (2002). " The Social Construction of Technology:Structural Considerations", *Science, Technology & Human Values*, Vol. 27 No. 1, 28-52
- Mccarthy, D.(2015). *Power, Information Technology, and International Relation Theory(The Power and Politics of US Foreign Policy and Internet)* , Palgrave Studies in International Relations Publication, Basing Stoke, Hamp Shire RG21 6XS, England.
- Noman, H., Faris, R., & Kelly, J.(2018). *The Yemen War Online: Propagationof Censored Content on Twitter*, Berkman KleinCenter for Internet & Society Research Publication.
- Shirazi, F. (2013). «Social Media and the Social Movements in the Middle East and North Africa(A Critical Discoure Analysis)» , *Information Technology & People*, vol.28, No.1, pp 28-49.
- Smidi, A., & Shahin, S. (2017). "Social Media and Social Mobilisation in the Middle East: A Survey of Research on the Arab Spring", *SAGE Publications*, pp196-209.
- Statcounter, (2020). "Social Media Stats Yemen". Last visit at 2020.06.11, available in: <https://gs.statcounter.com>.
- Surry, D., & Farquhar, J. (1997). "Diffusion Theory and Instructional Technology", *Journal of Instructional Science and Technology* , No.1, pp1-14.
- World Bank,(2006). Republic of Yeman Country Social Analysis. *Report No:34008-YE*
- Yousefikhah, S.(2017). "Sociology of Innovation: Social Construction of Technology Perspective", *AD-Minister*, No. 30, pp 31-43.
- Radcliffe, D. (2019). " Ye`en` s Civil War and Social Media", Last visit at 2019.03.07, available in: <https://medium.com/damian-radcliffe>.